

### حکایت ارینب

«داستان عشق این زن در خاطره یزید موضوع نظم و نثر عرب شد. یزید عاشق زن نادیده ای شد و روز بروز ضعیف گشت. معاویه بعامل خود نوشت بعنوان مهمانی بشام حرکت کند در شام از او پذیرایی شایان کرد ضمناً باو گفتند معاویه میخواهد دختر خود را بتو بدهد در صوتیکه معاویه دختر نداشت ولی شرط این ازدواج آنستکه اگر تو زنی داری طلاق دهی و باین حیله طلاق زن عبدالله سلام را گرفتن بدون آنکه زن علت طلاق را بداند پس از طلاق گرفتن از پذیرایی او کاستند تا خود بخود فهمید که معاویه دختری ندارد - سخت پریشان شد.

ابوالدردا که مامور عقد بستن این زن بیزید شد در راه حرکت بعراق بحسین بن علی(ع) برخورد کرد امام فرمود کجا میروی گفت برای عقد کردن زن عبدالله سلام برای یزید گفت آنجا که رفتی نام مرا ببر ابوالدردا امانت را از دست نداد چون رسید بخانه گفت چه کار داری پاسخ داد آمده ام تو را برای یزید خطبه کنم و اضافه کرد که حسین بن علی(ع) هم گفته نام او را نزد تو ببرم ارینب پرسید کدامیک بهترند گفت اگر دنیا میخواهی یزید که دارای مقام سلطنت و خلافت خواهد شد. اگر آخرت میخواهی حسین بن علی(ع) که سید شباب اهل الجنة و پسر پیغمبر خداست و قابل مقایسه با یزید نیست اگر نه دنیا و نه آخرت میخواهی من خودم.

ارینب گفت مرا بحسین بن علی عقد کن که راضیم ابوالدردا که 12 هزار درهم با یک کیسه در شاهوار آمده بود همان وجه را داد و ارینب را برای حسین بن علی (ع) عقد بست چون شام برگشت و یزید هم منتظر معشوقه خود بود - معاویه گفت چه شد پاسخ داد که ارینب به حسین بن علی(ع) راضی شد و وجوه بیت المال را مهریه او دادم برای پسر پیغمبر عقد بستم.

**یزید سخت کینه حسین بن علی را در دل گرفت و معاویه از عقیم ماندن حيله خود منفعل شد.**

**این داستان تاریخی موجب تشدید بغض و دشمنی بنی امیه با بنی هاشم گردید.**

بن مایه ها:

- مروج الذهب ج 2 برگ 58
- العروبة فی دار البوار برگ 57
- الامامة و السياسة ج 1 برگ 304
- نهاية الارب ج 6
- تجارب الامم ج 5
- در مثالب معاویه - فتح باری ج 7 برگ 81
- تاریخ الخمیس ج 2 برگ 92
- سفر السعادة فیروزآبادی برگ 149
- النوادر برگ 14
- الحسین ج 1 برگ 85

گردآورنده:  
شاهین کاویانی

